

بسم الله الرحمن الرحيم

محقق: زهرا دهنو

موضوع تحقیق: جایگاه جبر و اختیار در زندگی انسانها از

دیدگاه قرآن

شماره طلبگی:

مربوط به درس: تفسیر موضوعی (۴)

چکیده

بحث "جبر و اختیار" از مباحث بسیار عمیق و دقیقی است که از دیرباز ذهن و زبان و قلب و روان انسان‌ها و به ویژه خردورزان را به خود مشغول ساخته است. این مبحث در میان گروه‌های مسلمانان نیز دارای جایگاه پراهمیتی است. هر یک از این گروه‌ها برای اثبات عقیده‌ی خود به آیاتی از قرآن کریم تمسک جسته‌اند و ظاهر آن را موید نظریه‌ی خویش گرفته‌اند. در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام از افراط و تفریط مصون مانده، به پیروی از امامان خود بر نظریه‌ی (امر بین الامرین) پای فشرده‌اند.

نویسنده‌ی محترم ضمن بررسی آیات و روایات و رد نظریه‌ی جبری مسلکان، بر آن است که آیات وحی از دیدگاهی بس فراتر از دیدگاه فلسفه و متکلمان، به این موضوع نگریسته است. همچنین کسی جز معصومان علیهم السلام به ژرفای این دیدگاه و حیاتی راه نیافته است تا جایی که برخی از متکلمان مسلمان نیز که بدون اتکا بر اهل بیت علیه السلام در این راه گام گذاشته‌اند، از لغزش مصون نمانده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جبر، اختیار، قضا و قدر، تفویض، امر بین الامرین، آزادی اراده، انسان و سرنوشت.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه.....
۲.....	برداشت‌های ناصواب از قرآن کریم پیرامون جبر.....
۷.....	آزادی انسان و نفی جبر از دیدگاه قرآن و حدیث.....
۹.....	اختیار، امتیاز بزرگ انسان‌ها در قرآن کریم.....
۱۲.....	آزادی و اختیار انسان در تعیین و تغییر سرنوشت.....
۱۳.....	اختیار انسان و عموم مشیت الهی.....
۱۷.....	نظریه‌های جبری.....
۲۱.....	نقد و ارزیابی.....
۲۳.....	خالقیت مطلقه خداوند.....
۲۶.....	نقد و بررسی.....
۲۸.....	مفهوم اراده و مشیت.....
۳۱.....	درنگی در مفهوم اراده الهی.....
۳۵.....	نتیجه‌گیری.....
۳۶.....	فهرست منابع.....

مقدمه

نظریه ی "اختیار انسان" به عنوان یک اندیشه ی انسانی را نمی توان به یک مبدأ تاریخی خاصی نسبت داد، چرا که اختیار امری است وجدانی که از نهاد انسان سرچشمه گرفته است؛ از روزی که انسان در روی زمین به صورت یک موجود صاحب خرد پا به عرصه ی هستی نهاده، پیوسته وجدان و فطرت او ندای اختیار سر داده است.

خردمندان جهان که برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، اصولی را عرضه کرده اند، طرفدار اصل اختیار بوده اند؛ زیرا بدون پذیرفتن اصل اختیار، هدف نهایی شرایع آسمانی که تربیت و تهذیب نفوس انسان ها است، لغو خواهد بود و قانون گذاری و کیفر و پاداش بیهوده می نماید.

نگارنده با توجه به تعمق چندین ساله در این موضوع اعتراف دارد که بحثی چنین عمیق و پیچیده که باب مدینه العلم از آن به عنوان "دریای امواج" و "گردنه ی صعب العبور" یاد کرده است، هنوز ناگفته ها و نایافته های فراوانی دارد، اما با کمک آموزه های دینی و دریافت وجدان و اعتراف عمومی به آزادی و اختیار انسان، می توان به اثبات نظریه ی "امر بین الامرین" به عنوان فکر برتر در این موضوع پرداخت. بدون تردید اثبات این اندیشه ی متعالی که اهل بیت علیه السلام نظریه پرداز آن هستند، آثار گران بهایی در شئون فردی و اجتماعی زندگی انسان دارد.

برداشت های ناصواب از قرآن کریم پیرامون جبر

گروهی با استناد به ظاهر آیاتی از قرآن کریم که همه چیز را به اراده ی خدا می داند، چنین می پندارند که این موضوع با جهان مبتنی بر اسباب و مسببات و انسان متکی بر اختیار و اراده ناسازگار است. مستشرقان نوعاً دین اسلام را به عنوان دینی که اعتقاد به جبر از جمله ی اصول بنیادین آن است، معرفی می کنند، اما این اتهامی بیش نیست.

همه می دانند که هدف نهایی شرایع آسمانی، تربیت و تهذیب نفوس انسان ها است، حال اگر تمام شئون انسان از پیش ساخته و پرداخته شده است و او مجبور به طی طریق معینی است، در این صورت بعثت پیامبران برای احیاء بیهوده خواهد بود.

با آنکه ادیان الهی علم و اراده ی خدا را محیط و قدیم دانسته و همه چیز را نوشته ی در لوح محفوظ معرفی می کنند و قضا و قدر را به عنوان دو اصل پذیرفته شده تلقی می کنند، هیچگاه اعتقاد به این موارد را مانع از رشد انسان ها ندانسته اند؛ بلکه قوه ی اراده و اختیار را در جهت انتخاب راه سعادت و کمال بسیار موثر به شمار آورده اند.

استاد مطهری در این باره می گوید:

قرآن به شکلی عموم مشیت الهی و عموم قضا و قدر را قایل است که هیچ گونه منافاتی بین آن و اختیار و اراده ی بشر نیست؛ از جمله ی آیاتی که مسئله ی اختیار و اراده ی بشر را به طور جدی مطرح فرموده است، می گوید: (ذَلِك بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَمْ)^۱ نمی گوید این به موجب اعمال شماست که بگوییم ما اختیار داشتیم یا نداشتیم، می گوید: (بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَمْ) به موجب کارهایی که به دست خودتان، یعنی به اراده و اختیار خودتان بدون هیچ اجباری انجام دادید. خدا شما را مختار و آزادآفرید. (فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ)^۲ هر که می خواهد - یعنی به اختیار خودش - ایمان آورد و هر که می خواهد کفر بورزد. (اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُورًا)^۳ ما راه به بشر نمودیم.

۱ - سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

۲ - سوره کهف، آیه ۲۹

۳ - سوره انسان، آیه ۳

تخلف متعلق الاراده عنها فخطاء المجبره في عدم تميزهم كيفية تعلق الاراده الالهيه بالفعل و عدم تفریقهم بین الاراده الطولیه و الاراده العرضیه.^۱

«اراده الهی به طور مثال به فعل صادره از زید تعلق گرفته است نه به فعل مطلق (و بدون قید) یعنی اینکه آن فعل از فاعل خاص با خصوصیات و اجزاء ویژه و در زمان خاص صادر شده است... در این صورت تأثیر اراده الهی در فعل خاص سبب اختیاری بودن آن خواهد بود وگرنه متعلق اراده از خود اراده تخلف خواهد کرد. بنابراین خطای جبرگرایان در این است که آنان کیفیت تعلق اراده الهی به فعل خاص را فهم نکرده و میان اراده طولی پروردگار و اراده عرضی او فرق نگذاشته‌اند.»

اما درباره چگونگی تعلق اراده الهی به گناهان و شروری که از بندگان صادر می‌شود آنگونه که در برخی از آیات قرآن به آن استناد شده، می‌توان گفت گرچه نسبت فعل بندگان به خداوند نه به اعتبار و مجاز بلکه نسبتی حقیقی است؛ یعنی آنکه افعال آدمی هم از حیث آثار و نتایج دارای نقشی هستند که حقیقی و تکوینی‌اند و هم از حیث مبادی و علل از منشأ حقیقی که همان شأن و درجه وجودی فرد انسانی است صادر می‌شوند. لیکن مهم فهم این نکته است که در این نسبت حقیقی آن هنگام که اراده الهی در مرتبه نازل و سافل طبیعت و قوای گوناگون و خواسته‌ها و تمایلات و وسائلی که به آن خواسته‌ها جامعه عمل می‌پوشانند قرار می‌گیرد، به شکل اراده طاعت و اراده معصیت و یا ایمان و کفر و هدایت و ضلالت در می‌آید. یعنی اراده الهی متناسب با اجزاء هستی و مخلوقات جلوه می‌کند و این مطلب نه فقط در صفت اراده که در همه صفات خداوند بویژه صفات فعل صدق می‌نماید که نظام سافل محل تجلی صفات و عینیت اوصاف اوست.

صدرالمتألهین(ره) به صورت شیوائی این حقیقت بلند را ترسیم نموده است.

«فاذن كما انه ليس في الوجود شأن الا و هو شأنه كذلك ليس في الوجود فعل الا و هو فعله لابعنى ان فعل زید (طاعة کانت او معصیه) ليس صادراً عنه بل بمعنى ان فعل زید مع انه فعله بالحقیقه دون المجاز فهو فعل

^۱ - طباطبائی، محمدحسین، المیزان ۱/۹۹. نیز به عبارت ص ۲۵۴ ج ۱۵ تفسیر المیزان مراجعه کنید

اللّٰهُ بِالْحَقِيقَةِ فَلَاحِكُمُ الْاِلَٰهَ وَ لَاحَوْلَ وَ لَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَعْنِي كُلُّ حَوْلٍ فَهُوَ حَوْلُهُ وَ كُلُّ قُوَّةٍ فَهُوَ قُوَّتُهُ فَهُوَ مَعَ غَايَةِ عَظَمَتِهِ وَ عُلُوِّهِ يَنْزِلُ مَنَازِلَ الْاَشْيَاءِ وَ يَفْعَلُ فَعْلَهَا كَمَا اَنَّهُ مَعَ غَايَةِ تَجَرُّدِهِ وَ تَقَدُّسِهِ لَا يَخْلُو عَنْهُ اَرْضٌ وَ لَاسَمَاءٌ كَمَا فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَ هُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۱

«بر این مبنی در هستی چیزی (مرتبه‌ای) جز مرتبه او نیست. هم‌چنانکه هیچ فعلی جز فعل او محسوب نمی‌شود. نه به این معنی که به طور مثال فعل زید چه طاعت باشد و چه معصیت از باری صادر نشده است؛ بلکه به این معنی که آن فعل با اینکه حقیقتاً فعل زید است (و نه مجازاً) در عین حال حقیقتاً فعل حق تعالی نیز هست. «لاحکم الا الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» یعنی هر نیرویی، نیروی او و هر قدرتی، قدرت اوست. از این رو باری تعالی در غایت بزرگی و برتری در مراتب و منازل اشیاء فرود آمده و فعل آن مراتب را انجام می‌دهد. همانگونه که او در غایت تجرد و تقدس خویش همه زمین و آسمان را در برگرفته است. آنگونه که آیه کریمه می‌گوید: «او با شماست هر جا که باشید.»

آنچه وی بر آن تأکید می‌نماید همان است که با عبارت «ینزل منازل الاشیاء و یفعل فعلها» بیان نموده است که فهم آن، معنای چگونگی صدور افعال و انتساب آنها به خداوند را روشن می‌سازد. اما جبرگرا ناچار است که یا مانند معتزله برخی افعال و از جمله گناهان بندگان را از شمول اراده الهی بیرون بداند که چنین نمی‌کند و یا تلاش بی‌فایده‌ای را برای تنزیه حق به عمل آورد که چنین کوشش بی‌نتیجه‌ای را انجام داده است و نظریه کسب را از همین منظر تولید نموده است.

نکته دیگری که شایان یاد است آنکه با تأمل در می‌یابیم که آیات حامل معنای اراده الهی هرگز کارهای انسان را در تعریف و شمارش مصادیق خود نگنجانده است. یعنی افعال انسان را زیرمجموعه اراده بلاواسطه خداوند نشمرده است تا استفاده جبر بعمل آید. علامه محمدتقی جعفری(ره) می‌نویسد:

^۱ - صدرالمتألهین شیرازی، اسفار، سفر سوم، موقف ۴، فصل ۳۷۴ / ۱۱ و ۳۷۵

«آیاتی که اراده خداوند را بیان نموده است نمی‌توان به عنوان نمونه حتی یک آیه را در آنها یافت که اراده خداوند را به کارهای اختیاری انسان مربوط بدانند.»^۱

از این رو همان گونه که صدر المتألهین (ره) یادآوری نموده است باید اذعان نمود که دلائل و شواهد موردنظر جبرگرایان و آیات و اشارات قرآنی و روایی آنها آمیخته با ابهامات بسیاری است و هرگز نمی‌توان عنوان اراده را که تناسب تامی با مراتب و منازل پدیده‌ها دارد شاهی بر ضرورت و ایجاب دانست.

^۱ - جعفری، محمدتقی، جبر و اختیار، چاپ اول، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹/۲۳۴.

نتیجه گیری

چیزی که برای یک نفر محقق عارف به مسایل توحید بسیار اعجاب آور است منطق مخصوصی است که در قرآن کریم و پس از آن در روایات مأثور از رسول اکرم (ص) و علی (ع) و سایر ائمه اطهار در مسایل توحید مشاهده می شود. این منطق نه تنها با منطق آن عصر و زمان تطبیق نمی کند، بلکه با منطق قرن ها بعد که علم کلام رونق گرفت و نطق و فلسفه رایج شد نیز تطبیق نمی کند. این منطق، بسی بالاتر و والاتر از آنهاست. آنچه در مسئله ی سرنوشت و قضا و قدر و جبر و اختیار آمده، نمونه ای از این منطق است.

این خود می رساند که قرآن کریم از منبع و منشاء دیگری سرچشمه گرفته و آن کس که قرآن بر زبان مقدس او جاری شده است، حقایق توحیدی را با دیدی دیگری مشاهده می کرده است و هم می رساند که اهل بیت پیغمبر - صلوات الله و سلامه علیه و علیهم - آشنایی شان با منطق قرآن و علوم قرآن با دیگران متفاوت بوده است. در مسایلی که دیگران به اقتضای عالی بودن سطح مطالب در وادی تحیر فرو رفته اند، آن بزرگواران حقایق را با روشن بینی خاصی بیان کرده اند. جای تعجب نیست اگر دیده می شود متکلمان شیعه قادر نبوده اند این مسایل را درست هضم کنند که انحرافی برای آنها دست ندهد.

هنگامی که انسان سخنان بزرگانی مانند: شیخ مفید و سید مرتضی و علامه ی حلی و مجلسی و امثال اینها برخورد می کند و بیانات آنان را در این زمینه ها در کتب کلامی یا در شرح احادیث می بیند، متوجه می شود که این شخصیت های بزرگ از قرار گرفتن تحت تأثیر بیانات معتزله و اشاعره مصون نمانده اند، طرز تفکرشان نزدیک به طرز تفکر معتزله یا اشاعره بوده است و ناچار بوده اند تا حد زیادی آیات و اخبار را در این گونه مسایل تأویل و توجیه کنند. بدیهی است این نقصی برای آن بزرگان محسوب نمی شود، هرکس دیگر هم که در شرایط آنها می بود، نمی توانست از آنچه آنها مصون نمانده اند، مصون بماند. این منطق منحصر به قرآن کریم و پیامبر اکرم

(ص) و اهل بیت (ع) است. دیگران به تدریج و گام به گام در اثر آشنایی اصولی با این گونه مسایل و تعمق و تفکر زیاد توأم با توسل به قرآن مجید و کلمات رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی دین مخصوصاً امام علی (ع) به این حریم راه یافته‌اند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- ۱- مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، قم
- ۲- صدرالمتألهین شیرازی، اسفار
- ۳- جعفری، محمدتقی، جبر و اختیار، چاپ اول، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
- ۴- شیخ عباس قمی: مفاتیح الجنان
- ۵- صدرالمتألهین شیرازی، محمد، الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، قم، المكتبة المصطفوی، ۱۳۸۶
- ۶- فخر رازی، محمد ابوعبدالله، شرح المواقف،
- ۷- محمد باقر مجلسی: بحار الانوار،
- ۸- محمد حسین طباطبایی: تفسیر المیزان
- ۹- مرتضی مطهری: آشنایی با قرآن
- ۱۰- موسوی خمینی، روح الله، طلب و اراده، ترجمه و شرح سید احمد فهری، تهران، مرکز انتشارات

علمی و فرهنگی